

# مواضع کشورهای ساحلی دریای خزر

سید محمد تقی موسوی نیا  
مؤلف و کارشناس علوم سیاسی و روابط بین‌الملل

مواضع کشورهای ساحلی دریای خزر:

## ۱- قزاقستان

دولت قزاقستان در روابط خود با فدراسیون روسیه بسیار محتاط عمل کرده است. کمتر از نیمی از مردم قزاقستان را روس‌ها تشکیل داده‌اند و بخش‌های مهمی از شمال این کشور که صنعتی است در اختیار و کنترل آنها قرار دارد. برای رهبری قزاقستان بهره‌برداری از منابع دریای خزر و تاثیر آن بر روابط این کشور با روسیه حایز اهمیت جدی بوده است. قزاقستان هم ابتدا تلاش داشت با طرح ایده دریا بودن خزر و ارتباط آن با آب‌های آزاد جهان از طریق کانال ولگا- دن- بالتیک بهره‌گیری از منابع نفتی آن را در منطقه فلات قاره دنبال کند. قزاقستان مواضع مشابهی با آذربایجان اتخاذ کرده، ولی احتیاط لازم را نیز در روابط خود با روسیه از نظر دور نداشته است.

جمهوری قزاقستان به علت وضعیت خاص این کشور، موضع تقریباً متمایل به روسیه اتخاذ نموده است. به این ترتیب بنا به گفته وزیر امور خارجه قزاقستان، بایستی مساله رژیم حقوقی دریای خزر از طریق عقد قرارداد مابین پنج دولت ساحلی حل و فصل شود. اما در مورد استفاده از منابع نفت و گاز، منتظر تدوین نظام حقوقی دریای خزر و تصویب آن نمانده و برای توسعه سریع نفت و گاز با عقد قرارداد دوجانبه مابین قزاقستان و شرکت‌های نفتی این گونه فعالیت‌ها را از چند سال قبل شروع کرده و به اجرا درآورده است. از جمله اقدامات انجام‌شده در این مورد، احداث و تکمیل خط لوله CPC می‌باشد که ظرفیت این خط لوله بالغ بر یک میلیون بشکه در روز است که هم‌اکنون از آن استفاده می‌شود. طول این خط لوله ۱۴۴۰ کیلومتر و قطر داخلی لوله‌ها ۱ متر (۱۰۰۰ میلیمتر) و ظرفیت ابتدایی ۲۵ میلیون تن در سال و ۲/۱ میلیارد دلار برای آن سرمایه‌گذاری شده است.

از سوی دیگر، دیدگاه جمهوری قزاقستان با دیدگاه جمهوری آذربایجان نزدیکی‌هایی دارد. قزاقستان با این استدلال که کانال ولگا- دن خزر را به دریاهای آزاد وصل می‌کند، بر آن است که خزر باید یک «دریا» فرض شود تا مشمول مقررات بین‌المللی حاکم بر دریاها شود. استراتژی قزاقستان در این باره، دو هدف دارد: اجرای پروژه‌های خود در خزر و جلوگیری از درگیر شدن با روسیه. قزاقستان در اعلامیه‌های رسمی خود در چند نوبت نکات اصلی استدلال‌های جمهوری آذربایجان را مورد پشتیبانی قرار داده است. اینک همه کشورهای کرانه‌ای باید نسبت به منابع دریای خزر که در محدوده آب‌های سرزمینی و فلات قاره آنها واقع شده است حق اعمال کنترل انحصاری داشته باشند.

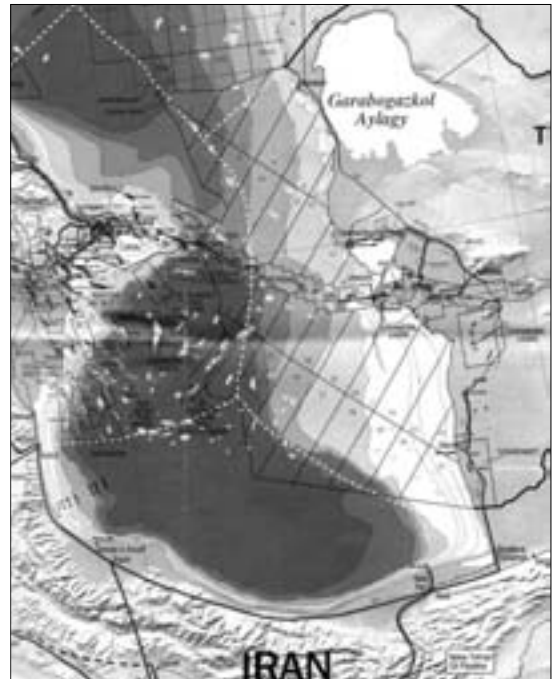
## ۲- ترکمنستان

جمهوری ترکمنستان از نظر منابع انرژی با داشتن میادین بزرگ گاز به جای منابع نفتی که کشورهای دیگر دارند، وضعیت خاصی دارد. این کشور سعی کرده است از مناقشات دریای خزر کنار بماند، اما با تمام تلاشی که برای دور نگه داشتن خود در مناقشات جاری منطقه کرده، عملاً موفق نبوده، زیرا با اختلافاتی که با

شوروی پیشین با هم شریک شدند بی‌آن که در مرزهای ایران کمترین تغییری حاصل شده باشد.

در سایه دگرگون شدن نظام جهانی در پی سرنگونی شوروی پیشین، ایالات متحده دست به تلاش گسترده‌ای برای شکل دادن به یک نظام تک‌قطبی زده است. در این تلاش ایالات متحده دریای خزر را یکی از دو منطقه‌ی اصلی تامین‌کننده انرژی جهان در سده بیست و یکم فرض کرده و بدان اهمیت زیادی می‌دهد. همین دیدگاه ژئوپلیتیکی ویژه است که موقعیت خزر را در سیاست‌های جهانی بالا می‌برد.

همزمان با تحول ساختار ژئوپلیتیک تک‌قطبی جهان کنونی به نظام متعادل‌تر چندقطبی، موقعیت جدید دریای خزر به عنوان یک زیر نظام جهانی با یک منطقه ژئوپلیتیکی مهم ثبت می‌شود. همچنین با گسترش جهانی شدن اقتصاد بازار آزاد، که با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و سربرآوردن شماری از کشورهای نو در منطقه خزر همزمان بود، شرکت‌های نفتی و کاری باخترزمین برای بهره‌برداری از طلای سیاه نهفته در دریای خزر به این منطقه هجوم آوردند. این شرکت‌ها در دهه ۱۹۹۰، بی‌اعتنا به این واقعیت که دشواری‌های مربوط به تعیین مرزهای دریایی میان کشورهای کرانه‌ای هنوز برجاست، قراردادهایی با جمهوری‌های سربرآورده در منطقه‌ی خزر همچون قزاقستان، ترکمنستان و جمهوری آذربایجان امضاء کرده و با کسب امتیاز از آنها، دست به اکتشاف زدند. این اقدام کشورهای فوق، بروخامت اوضاع ژئوپلیتیکی دریای خزر افزود و کشمکش‌های فراوانی را در جهت تعیین رژیم حقوقی عادلانه دریای خزر دامن زد.

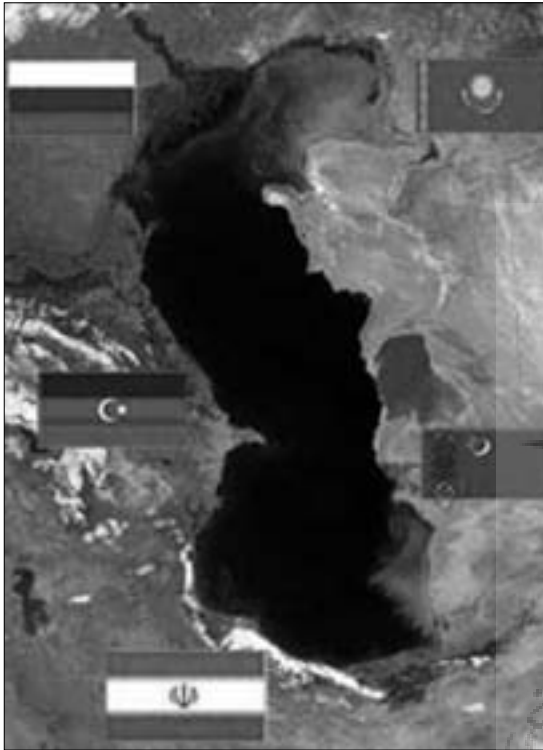


## رژیم حقوقی دریای خزر

▼ پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، دریای خزر چیزی نبود جز یک دریای بسته که به گونه‌ای تئوریک، و نه در عمل، میان ایران و شوروی پیشین تقسیم می‌شد و بیش از ۸۵ درصد از کرانه‌های خزر در داخل مرزهای شوروی قرار می‌گرفت و کمتر از ۱۵ درصد از کرانه‌های خزر به ایران تعلق می‌یافت. پس از فروپاشی اتحاد شوروی، چهار کشور تازه در کرانه‌های ۸۵ درصدی

در سایه دگرگون شدن نظام جهانی در پی سرنگونی شوروی پیشین، ایالات متحده دست به تلاش گسترده‌ای برای شکل دادن به یک نظام تک‌قطبی زده است. در این تلاش ایالات متحده دریای خزر را یکی از دو منطقه‌ی اصلی تامین‌کننده انرژی جهان در سده بیست و یکم فرض کرده و بدان اهمیت زیادی می‌دهد.

دوستی مورخ ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ مسکو در سال ۱۹۳۵ مورد تایید مجدد قرار گرفت و اعلام می‌دارد که دریای خزر متعلق به روسیه و ایران است. همچنین پروتکل دریانوری مورخ ۲۵ مارس ۱۹۴۰ که جایگزین قرارداد دوستی ۱۹۲۱ می‌باشد دریای خزر را به عنوان دارایی مشترک ایران و شوروی سابق می‌شناسد. از آن جا که این ترتیب هیچگاه به مورد اجرا گذارده نشده، گفته می‌شود که ایران و اتحاد شوروی در سال ۱۹۶۰ موافقت کرده‌اند که بر پایه خطوطی مورد توافق مبادرت به تعیین حدود آب‌های ساحلی در دریای خزر بنمایند. این ترتیب بدون شک اشاره به پیشنهاد شوروی درباره خطی



دارد که، سهم ایران و شوروی را در دریای خزر از یکدیگر جدا می‌کند. برای تثبیت این وضع، روسیه استدلال کرده است که هیچ خط مرزی در دریای خزر وجود ندارد که جمهوری‌های شوروی را از یکدیگر جدا کند.

این استدلال روسیه، در آغاز مورد استقبال ایرانیان قرار گرفت، اما نگرانی شرکت‌های نفتی باخترزمین که به ویژه در مناطق دریایی نزدیک جمهوری آذربایجان امتیاز گرفته و سرمایه‌گذاری نکرده بودند، از دیدن زیان‌های چشمگیر از چنین رژیم حقوقی، موجب مخالفت این شرکت‌ها با دیدگاه روسیه شد و سبب گردید که ایالات متحده به پشتیبانی مواضع مخالف این دیدگاه، همچون مواضع جمهوری آذربایجان برخیزد. برای خروج از بن‌بست، روسیه در سال ۱۹۹۶ راه حل میانه‌ای پیشنهاد کرد که به موجب آن هر کشور منطقه در حوزه‌های نفتی واقع در محدود ۴۵ مایلی از خط کرانه‌های خود صلاحیت

شمار آید».

بر پایه این تعریف، باکو با تعیین منطقه انحصاری برای هر یک از کشورهای کرانه موافق است. روسیه با اجرای ماده ۱۲۲ کنوانسیون ۱۹۸۲ دریاها در مورد دریای خزر مخالف است. دولت روسیه در یادداشتی خطاب به سازمان ملل متحد در تاریخ پنجم اکتبر ۱۹۹۴ استدلال کرد که دریای خزر را نمی‌توان «یک دریای نیمه بسته» تلقی کرد. جمهوری آذربایجان همچنین استدلال می‌کند که از نظر قلمرو سرزمینی، اتحاد شوروی پیشین خطوطی مرزی میان جمهوری‌های عضو ترسیم کرده بوده که بر اساس قوانین شوروی پیشین، این خطوط مرزی تابع مقررات حقوق بین‌المللی شمرده می‌شده است. این خطوط که برای جدا کردن مناطق صنعتی جداگانه ترسیم شده بود، باید در مورد ادعاهای مربوط به آب‌های کرانه‌ای در دریای خزر نیز مصداق داشته باشد. برای تثبیت این دیدگاه است که جمهوری آذربایجان به تعیین حدود و مرز در دریاچه‌های مشابه تکیه می‌کند. نمونه‌هایی چون دریاچه‌های «سوپریور»، «هورون»، «اریه» و «انتاریو» میان کانادا و ایالات متحده آمریکا با دریاچه «ژنو» میان فرانسه و سوئیس دریاچه «کنستانتین» میان اتریش، سوئیس و آلمان.

محافل ذینفع در باخترزمین این دیدگاه ویژه جمهوری آذربایجان را پشتیبانی می‌کنند و اظهار می‌دارند که تعیین حدود مرزی در آب‌های کرانه‌ای منطقی‌ترین و عملی‌ترین راه حل و فصل اختلاف‌های ناشی از منافع و دیدگاه‌های متضاد در مورد استفاده از منابع دریای خزر است. اما دولت روسیه که با این موضع‌گیری مخالف و از گسترش عملیات اکتشاف نفت از سوی جمهوری آذربایجان با همکاری نزدیک غرب ناخشنود بود، در سال ۱۹۹۵ هشدار داد که در پنجم اکتبر ۱۹۹۴ برای محدود شناختن رژیم حقوقی دریای خزر به «استفاده مشترک کشورهای هم کرانه از منابع مشاع آن دریا» داده بود تکرار کرد. ضمن این هشدار تازه، روسیه اعلام کرد که پیش از تعیین یک رژیم حقوقی مورد توافق همگان برای دریای خزر، بهره‌برداری از منابع این دریا نباید آغاز شود. روسیه در این هشدار دادن تا آن جا پیش رفت که فعالیت‌های کنونی در بهره‌برداری از منابع آمریکا را غیرقانونی شناخت.

### روسیه

روسیه دریای خزر را محصور در خشکی و جدا از شبکه آب‌های جهان - اقیانوس‌ها و دریاها دانسته است. بنابراین نظام معاهدات بین‌المللی در مورد حقوق دریاها بر آن قابل اطلاق نیست. تعریف دریای سرزمینی، مناطق انحصاری اقتصادی، فلات قاره و جز آن در مورد این دریاچه قابل استفاده نیست. براساس اظهارنظرهای مقامات روسی، خزر منطقه‌ای مشترک است که باید براساس رضایت و توافق همه کشورهای ساحلی منابع زیر بستر آن مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

این دیدگاه بر این استدلال تکیه دارد که رژیم حقوقی دریای خزر باید همان ماهیتی باشد که در پیمان

جمهوری آذربایجان در مورد مالکیت و حاکمیت حوزه نفتی کی‌پاپاز (سردار) دارد و همچنین در مورد میادین مشترک گاز محدوده دو کشور به طور اجتناب‌ناپذیر تحت فشارهای عوامل و متغیرهای دیگر قرار گرفت. حتی در اثر مناقشه شدید با آذربایجان نگرانی بروز جنگ بین دو کشور نیز به وجود آمد.

عشق‌آباد به طور کلی، در مورد رژیم حقوقی دریای خزر به موضع ایران گرایش دارد. هر چند تصویب قانونی در ترکمنستان در سال ۱۹۹۲، منطقه‌ای به گسترده‌ی ۱۲ مایل از خط کرانه‌ای در دریای خزر را، منطقه‌ی آب‌های کرانه‌ای (آب‌های سرزمینی) آن کشور اعلام کرد و خواهان تعیین منطقه اقتصادی انحصاری ترکمنستان در خزر شد. حرکت به سوی این گونه مقررات، گویای پشتیبانی ترکمنستان از دیدگاه مربوط به تقسیم دریا در منطقه پیوسته به کرانه‌هاست. آن گونه که روسیه اعلام کرده است، نه آن گونه که جمهوری آذربایجان پیش کشیده و پیگیری می‌کند. با این حال، ترکمنستان نیز همانند آذربایجان و قزاقستان، امتیازهایی برای اکتشاف، استخراج و صدور نفت به شرکت‌های نفتی باخترزمین واگذار کرده است. آشکار است که دادن امتیاز استخراج و صدور نفت با ویژگی‌هایی چنین، با ایده مشاع بدون دریای خزر، تناقض دارد. در عین حال، عشق‌آباد به اعتبار حقوقی تلاش‌های اکتشافی شرکت‌هایی که از جمهوری آذربایجان امتیاز گرفته‌اند اعتراض دارد و مدعی است که برخی از این کارها ناقض حقوق ترکمنستان است. به هر حال، بی‌پاسخ ماندن هشدارهای عشق‌آباد و پیشرفت نکردن تلاش‌ها برای حل اختلاف‌ها با جمهوری آذربایجان بر سر حوزه نفتی دریایی کی‌پاپاز (سردار) سبب دلسردی ترکمنستان شده است. به همین دلیل بود که عشق‌آباد در اکتبر سال ۲۰۰۰ از سازمان ملل خواست برای حل مساله رژیم حقوقی دریای خزر مداخله کند. ادعای برخی از سخنگویان ایالات متحده در خزر مبنی بر پیروی میانجی‌گری‌های آمریکا برای حل این اختلاف‌ها، در عمل نادرست از آب درآمد.

### ۳ - آذربایجان

جمهوری آذربایجان در ۲۱ دسامبر ۱۹۹۱، اعلامیه‌ی آلماتا را امضا کرد و رسماً پذیرفت که تعهدات بین‌المللی ناشی از قراردادهای موافقت‌نامه‌های بین‌المللی امضا شده از سوی اتحاد شوروی پیشین را محترم دارد. برخلاف این تعهد که اصلاً باید سبب توجه جمهوری آذربایجان به تمایل منعکس شده در مفاهیم و محتوای قرارداد ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ به رژیم حقوقی مشاع شود، باکو پافشاری می‌کند که دریای خزر را باید یک دریای آزاد شناخت و به این دلیل مفاد ماده ۱۲۲ کنوانسیون ۱۹۸۲ سازمان ملل متحد ناظر به دریاها باید در مورد دریای خزر اجرا شود. این ماده «دریای نیمه بسته» را خلیج، بدنه‌ای از آب، یا دریایی تعریف می‌کند که «میان چند کشور احاطه شده و از راه یک تنگه یا باریکه آبی، به دریای آزاد یا اقیانوس متصل باشد. یا به گونه‌ای کامل بخشی از آب‌های سرزمینی یا مناطق اقتصادی انحصاری دو یا چند کشور کرانه‌ای به

انحصاری داشته باشد. فراتر، در بهار ۲۰۰۱ اعلام شد که روسیه تفاهم‌نامه‌ای با قزاقستان و جمهوری آذربایجان امضا کرده که به موجب آن اصل تقسیم دریا میان کشورهای کرانه‌ای مورد تأیید قرار گرفته است. روسیه در سال ۲۰۰۲ پس از اجلاس بی‌حاصل سران خزر در عشق‌آباد رسماً تهدید کرد که بخش شمالی خزر را میان خود و همسایگان قزاق و آذری‌اش تقسیم خواهد کرد و شاید به یک رژیم حقوقی سه‌جانبه برای نیمه‌ی شمالی خزر بسنده نماید.

#### ۵ - ایران

به نظر جمهوری اسلامی ایران رژیم حقوقی فعلی دریای خزر براساس معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ کماکان اعتبار داشته و چگونگی بهره‌برداری از منابع کانی این دریا باید بر مبنای اتفاق آرای تمام دولت‌های ساحلی تعیین و مشخص گردد. در این رابطه جمهوری اسلامی ایران از اصل بهره‌برداری مشترک از دریای خزر و استفاده برابر کشورهای ساحلی حمایت می‌کند. به این منظور ایران در سال ۱۹۹۲ ایده تشکیل سازمان همکاری دولت‌های ساحلی خزر را مطرح کرد و در سال ۱۹۹۳ پیش‌نویس موافقت‌نامه‌ای را در خصوص همکاری منطقه‌ای در دریای خزر و ایجاد سازمان منطقه‌ای مورد بحث را براساس بهره‌برداری مشترک ارایه داد. در این پیش‌نویس تشکیل «شورای خزر» و کمیته‌هایی در رابطه با موارد مختلف همکاری در دریای خزر مطرح شده بود. این طرح در اجلاس مسکو در سال ۱۹۹۴ مورد بررسی قرار گرفت، اما

به دلیل مخالفت جمهوری آذربایجان به مورد اجرا گذارده نشد. از نظر جمهوری اسلامی ایران تکمیل رژیم حقوقی دریای خزر و وضع مقررات جهت روشن شدن نحوه‌ی بهره‌برداری از منابع معدنی آن امری ضروری است، اما اقدام در این خصوص، همان گونه که در بیانیه‌ی وزرای خارجه پنج دولت ساحلی دریای خزر در اجلاس عشق‌آباد مورخ نوامبر ۱۹۹۶ تصریح گردیده، باید براساس اتفاق آرای پنج دولت مذکور صورت گیرد. بنابراین تا زمانی که این مقررات وضع شده و یا مادامی که رژیم حقوقی جدید جایگزین رژیم حقوقی موجود نگردیده هر گونه اقدام مغایر با مقررات فعلی در بهره‌برداری از منابع این دریا، غیرقابل قبول است. مواضع جمهوری اسلامی ایران در اسنادی که در دبیرخانه سازمان ملل به ثبت رسیده تشریح و در آنها بر مغایرت برخی از دولت‌های محلی دریای خزر با رژیم حقوقی موجود این دریا و مسوولیت این دولت‌ها در قبال کلیه پیامدهای این اعمال از جمله جبران خسارات وارده به حقوق دیگر دولت‌ها تأکید شده است.

جمهوری اسلامی ایران در یادداشت مورخ ۱۱ نوامبر ۱۹۹۷ به دبیر کل سازمان ملل مجدداً به اقدام جمهوری آذربایجان در بهره‌برداری یک‌جانبه از منابع دریای خزر اعتراض و تأکید نمود که این گونه اقدامات نه تنها موجب هیچ گونه حقی برای آن دولت نمی‌گردد بلکه مسوولیت کامل پیامدهای این گونه اعمال یک‌جانبه متوجه دولت مذکور خواهد بود.

در ژانویه ۱۹۹۶، پس از ملاقات و مذاکرات روسای جمهوری روسیه و قزاقستان، در مسکو بیانیه مشترکی انتشار یافت که در آن از توافق دو کشور در مورد رژیم حقوقی دریای خزر مبنی بر تقسیم بستر دریا و اشتراک دریایی عناصر رژیم حقوقی دریای خزر سخن رفته بود. در این بیانیه همچنین تهیه کنوانسیون در خصوص رژیم حقوقی دریای خزر به شرح فوق و تشکیل اجلاس سران کشورهای ساحلی برای نیل به اجماع در این رابطه مطرح گردیده بود. وزارت امور خارجه قزاقستان در بیانیه مورخ ۱۳ فوریه ۱۹۹۸، توافق‌های فوق را در خصوص تقسیم بستر قسمت شمالی دریای خزر تأیید نمود که وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران طی بیانیه‌ای ضمن تأکید بر رژیم حقوقی موجود دریای خزر و تصریح بر اینکه تاکنون هیچ مرزبندی و تحدید حدودی در دریای مذکور صورت نگرفته، تقسیم شمال دریای خزر و استفاده از عباراتی چون «بخش

قزاقستان» و یا «بخش روس» را مور انتقاد قرار داد و آن را ناقض مقررات موجود و همچنین تعهد کشورهای ساحلی دریای خزر مبنی بر اتخاذ تصمیم براساس اتفاق آرای این دولت‌ها خواند. از این زمان در مواضع دو کشور ایران و روسیه اختلاف پدید آمد. تا آن زمان هماهنگی ایران و روسیه در خصوص رژیم حقوقی دریای خزر موجب تقویت موضع مسکو در برابر آمریکا، جمهوری آذربایجان و شرکت‌های نفت شده بود.

در آوریل ۱۹۹۸، مشاور وزیر امور خارجه ایران ضمن مخالفت با پیشنهاد تقسیم بستر دریای خزر و مشترک بودن سایر عناصر نظام حقوقی این دریا، اعلام داشت که تنها یک رژیم حقوقی می‌باید در خصوص سطح، بستر و زیربستر دریای خزر وجود داشته باشد و از نظر جمهوری اسلامی ایران اعمال نگاهی دوگانه بر این مجموعه آبی غیرقابل قبول است. جمهوری اسلامی ایران در جریان مذاکره با کشورهای روسیه و ترکمنستان به ترتیب در ژوئن و ژوئیه ۱۹۹۸ نیز ضمن تأکید بر اینکه از نظر این کشور رژیم حقوقی مشاع کماکان مناسب‌ترین نظام حقوقی تلقی می‌گردد، آمادگی خود را برای پذیرش تقسیم دریای خزر، در صورت اتفاق آرای سایر دولت‌های ساحلی دریای خزر براساس سهم مساوی و برابر تمامی دولت‌های مزبور و بهره‌برداری عادلانه از منابع آن اعلام داشت. در دسامبر ۱۹۹۸ نیز سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران در پاسخ به اعتراض جمهوری آذربایجان نسبت به انعقاد قرارداد ایران با شرکت‌های نفتی شل و لاسمو برای انجام عملیات اکتشافی در دریای خزر، ضمن تأکید مجدد بر اعتبار معاهدات ۱۹۲۱، ۱۹۴۰، ادعای آن کشور را در مورد تعلق بخش‌های موضوع قرارداد به جمهوری آذربایجان رد نموده و گفت که وضعیت حقوقی این پهنه آبی تنها با توافق تمامی کشورهای ساحلی قابل تفسیر است و طبق رژیم حقوقی موجود دریای خزر، فعالیت‌های اقتصادی ایران نباید موجب نگرانی سایر دولت‌های ساحلی دریای مذکور گردد.

وی همچنین اعلام داشت که جمهوری اسلامی ایران در صورت موافقت تمامی دولت‌های ساحلی، با تقسیم مساوی و کامل سطح و بستر دریای خزر موافقت دارد.

در حال حاضر جمهوری‌های شوروی سابق با دیدگاه جدید روسیه مبنی بر تقسیم بخشی (سکتوال) بستر دریا و بهره‌برداری مشترک از سطح یا تقسیم بخشی سطح و بستر موافقت دارند؛ اگر چه در این مورد نیز شکل ساحل در تعیین حدود نقش اساسی دارد و سهم ایران چیزی بیشتر از موارد پیش گفته نخواهد بود. ایران خواهان بهره‌برداری مشاع در دریاست که مورد موافقت دیگر کشورهای ساحلی نیست و خود در این راه پرماجرا تنهاست و ناگزیر به پذیرش دیدگاه اکثریت خواهد بود. هر چند حقوق بین‌الملل دریاهای در این مورد صراحت ندارد.

▲

منابع در دفتر ماهنامه موجود است.

## شرکت تولیدی و مهندسی حرارت گستر

دارای پروانه کاربرد علامت استاندارد شماره ۵۷۷۹

**\* دارای تأییدیه نقشه‌ساخت دیگ بخار و آب داغ از TÜV آرش \***

تولید کننده :	
دیگ بخار	فیلتر شنی
دیگ آب داغ و آب گرم	دی الکالایزر
دی اریتور	فلاش تانک بخار
سختی گیر	جداکننده آب از بخار
منبم کوپل دار	جدا کننده هوا از آب
مبدل حرارتی	منبم کندانس

نشانی: تهران - خیابان طالقانی شرقی - شماره ۵۴۲ - صندوق پستی: ۵۲۷۱-۱۵۸۷۵  
تلفن: ۷۷۶۰۵۸۹۳ - ۷۷۶۰۵۸۸۹ - فاکس: ۷۷۶۰۴۵۳۱